عالم ربانی ، آخوند ملا ز ن العابد ن سلماسی (ره ) نقل نمود: در حرم عسکر ن (ع ) با جناب س د بحرالعلوم (ره ) نماز خواند م .
وقتی ا شان خواست بعد از تشهد رکعت دوم برخ زد، حالتی برا ش پ ش آمد که اندکی توقف کرد و بعد برخاست .
همه ما از ا ن کار تعجب کرده بود م و علت آن توقف را نمی دانست م و کسی هم جرات نمی کرد سؤال کند، تا آن که به منزل برگشته و سفره غذا را انداختند.
کی ازسادات حاضر در مجلس به من اشاره کرد که علت توقف س د در نماز را سؤال کنم .
گفتم : نه تو از ما نزد ک تری .
در ا ن جا جناب س د (ره ) متوجه من شده و فرمود: چه می گو د؟ من که از همه جسارتم ز ادتر بود، گفتم : آقا ان می خواهند سر آن حالت را که در نمازبرای شما پ ش آمد، بدانند.
فرمودند: حضرت بق ۀ اللّه (ع ) برای سلام کردن به پدر بزرگوارشان داخل حرم مطهر شدند، لذا از مشاهده جمال نورانی ا شان حالتی که د د به من دست داد، تاآن که از آن جا خارج شدند
کمال الد ن ج 2، ص 68، س 4.